

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۲ دی ۱۳۹۹

موضوع کلی: فصل فی غسل الجنابة

مصادف با: ۲۷ جمادی اول ۱۴۴۲

موضوع جزئی: حکم منی خارج شده‌ی به رنگ خون

جلسه: ۵۸

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسئله ۶۴۵: «إذا خرج المنی بصورة الدم وجب الغسل أيضاً بعد العلم بكونه منياً»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر منی به صورت خون از شخص خارج شود، بعد از اینکه شخص به منی بودن آن علم پیدا کرد، واجب است که غسل کند.

دلیل وجوب غسل در مسئله مذکور

حکم به وجوب غسل بر خروج منی مترتب می‌شود و تغییر رنگ آن حکم را تغییر نمی‌دهد زیرا ملاک برای حکم به منی بودن مایع خارج شده، این است که آن مایع، اوصاف منی که عبارت از خروج با فشار، سستی بدن و شهوت است را داشته باشد که اگر این اوصاف وجود داشته باشد آن مایع خارج شده، منی است و غسل واجب می‌شود و لذا رنگ، موضوعیت ندارد و تأثیری در حکم ندارد، بنابراین، اگر مایعی به صورت خون خارج شود ولی صفات منی را داشته باشد حکم منی بر آن بار می‌شود و در نتیجه غسل واجب می‌گردد. کما اینکه گفته شده است که کسانی که انزال منی آنها زیاد است، ممکن است که منی آنها رنگ خون پیدا کند و این به این معنا نیست که از هویت منی بودن خارج شود، بنابراین، صرف تغییر رنگ [و بدون تغییر صفات منی]، منی را از منی بودن خارج نمی‌کند و فرقی نمی‌کند که عنوان دیگری، مثل عنوان خون نیز بر آن صدق بکند یا صدق نکند، یعنی اگر علاوه بر عنوان منی، عنوان خون نیز بر آن مایع خارج شده، صدق کند، حکم منی بر آن مترتب می‌شود و غسل واجب می‌شود.

مسئله ۶۴۶: «المرأة تحتلم كالرجل و لو خرج منها المنی حیثین وجب علیها الغسل و القول بعدم احتلامهنّ ضعیف»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، حکم زنی که محتلم می‌شود همانند مرد است، پس اگر منی از زن خارج شود واجب است که غسل کند و قول به عدم احتلام زنان ضعیف است.

در گذشته نیز [در جلسه ۳۴، ذیل بحث از حصول غسل جنابت با خروج منی] به این مسئله اشاره شد که در احتلام، فرقی بین مرد و زن نیست و عمده دلیلی که بر این مطلب اقامه شد اخبار و روایاتی بودند که در این رابطه وارد شده‌اند که آن روایات ملاک برای احتلام را خروج آب از انسان دانسته بودند که گاهی از آن به انزال و گاهی به امناء تعبیر می‌شود. روایاتی در این رابطه ذکر شدند که روایت صحیح حلی [عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْمَرْأَةِ تَرَى فِي الْمَنَامِ مَا يَرَى الرَّجُلُ، قَالَ: «إِنْ أَنْزَلَتْ فَعَلَيْهَا الْغُسْلُ وَإِنْ لَمْ تُنْزَلْ فَلَيْسَ عَلَيْهَا الْغُسْلُ»^۳]. روایت اسماعیل بن سعد اشعری [عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ:

۱. سید محمد کاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲. همان، ص ۲۸۳.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۷، ص ۱۸۷، ح ۵.

سَأَلْتُ الرُّضَا (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَلْمِسُ فَرْجَ جَارِيَّتِهِ حَتَّى تُنْزَلَ الْمَاءُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُبَاشِرَ يَعْثُ بِهَا يَدِهِ حَتَّى تُنْزَلَ، قَالَ: «إِذَا أُنْزِلَتْ مِنْ شَهْوَةٍ فَعَلَيْهَا الْغُسْلُ»^۱ و روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ الرُّضَا (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُجَامِعُ الْمَرْأَةَ فِيمَا دُونَ الْفَرْجِ وَ تُنْزَلُ الْمَرْأَةُ هَلْ عَلَيْهَا غُسْلٌ؟ قَالَ: «نَعَمْ»^۲] از جمله آن روایات بودند و از این روایات استفاده شد که در احتلام، فرقی بین مرد و زن نیست و مضمون همه روایات این بود که اگر زن حالت انزال پیدا کند، غسل بر او واجب است، پس ملاک برای تحقق جنابت، خروج منی است و فرقی نمی‌کند که از مرد خارج شود یا از زن خارج شود لذا اگر زن نیز محتلم شود و منی از او خارج شود، غسل بر او واجب می‌شود.

مسأله ۶۴۷: «إِذَا تَحَرَّكَ الْمَنِيُّ فِي النَّوْمِ عَنْ مَحَلِّهِ بِالْإِحْتِلَامِ وَ لَمْ يَخْرُجْ إِلَى خَارِجٍ لَا يَجِبُ الْغُسْلُ كَمَا مَرَّ، فَإِذَا كَانَ بَعْدَ دُخُولِ الْوَقْتِ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَاءٌ لِلْغُسْلِ هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ حَبْسُهُ عَنِ الْخُرُوجِ أَوْ لَا؟ الْأَقْوَى عَدَمُ الْوَجُوبِ وَ إِنْ لَمْ يَتَضَرَّرْ بِهِ، بَلْ مَعَ التَّضَرُّرِ يَحْرُمُ ذَلِكَ، فَبَعْدَ خُرُوجِهِ يَتَيَمَّمُ لِلصَّلَاةِ. نَعَمْ، لَوْ تَوَقَّفَ إِتْيَانُ الصَّلَاةِ فِي الْوَقْتِ عَلَى حَبْسِهِ بِأَنْ لَمْ يَتِمَّكَّنْ مِنَ الْغُسْلِ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يَتَيَمَّمُ بِهِ وَ كَانَ عَلَى وَضوءٍ؛ بِأَنْ كَانَ تَحَرَّكَ الْمَنِيُّ فِي حَالِ الْيَقِظَةِ وَ لَمْ يَكُنْ فِي حَبْسِهِ ضَرَرٌ عَلَيْهِ لَا يَبْعُدُ وَجُوبُهُ، فَإِنَّهُ عَلَى التَّقَادِيرِ الْمَفْرُوضَةِ لَوْ لَمْ يَحْبِسْهُ لَمْ يَتِمَّكَّنْ مِنَ الصَّلَاةِ فِي الْوَقْتِ وَ لَوْ حَبْسَهُ يَكُونُ مَتِمَّكَّنًا»^۳.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر در خواب، منی به واسطه احتلام، از محل خودش حرکت کند ولی خارج نشود، غسل واجب نمی‌شود، کما اینکه سابقاً نیز به آن اشاره شد. پس اگر وقت داخل شده باشد و آب نزد شخص نباشد [تا غسل کند]، آیا واجب است که از خروج منی جلوگیری کند یا جلوگیری از خروج منی واجب نیست؟ اقوی این است که جلوگیری از خروج منی واجب نیست، هرچند که جلوگیری از خروج آن ضرر نداشته باشد، بلکه اگر ضرر داشته باشد جلوگیری از خروج منی حرام است و لذا بعد از خروج منی، برای نماز، تیمم می‌کند. بلیه اگر خواندن نماز در وقت، بر حبس منی متوقف باشد، به این نحو که شخص، متمکن از غسل نباشد و چیزی که بتواند بر آن تیمم کند نیز نزد او نباشد و وضو داشته باشد و در حال بیداری، منی از جای خود حرکت کند و حبس و جلوگیری از خروج آن برای شخص ضرر نداشته باشد، در این صورت بعید نیست که حبس منی واجب باشد، پس بنا بر این فروضی که ذکر شد اگر شخص منی را حبس نکند، متمکن از خواندن نماز در وقت نخواهد بود و اگر آن را حبس کند، متمکن از خواندن نماز در وقت خواهد بود [لذا برای اینکه بتواند نماز خود را در وقت بخواند باید از خروج منی جلوگیری کند و با حالت طهارت نماز خود را در وقت بخواند].

فروع مسأله مذکور؛

فروع اول، این است که اگر انسان خواب باشد و محتلم شود، لکن منی از محل خودش حرکت کند ولی خارج نشود، غسل بر او واجب نمی‌شود.

دلیل حکم مذکور در این فرع این است که وجوب غسل، مترتب بر امانت و انزال است و فرض این است که در فرض مذکور، انزالی صورت نگرفته است و آبی از شخص خارج نشده است، در نتیجه چون انزالی صورت نگرفته است، غسل واجب نیست.

۱. همان، ص ۱۸۶، ح ۲.

۲. همان، ح ۳.

۳. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۸۳.

فرع دوم، این است که اگر وقت داخل شده باشد و آبی نزد شخص نباشد و او محتلم شود، اقوی این است که واجب نیست که از خروج مَنی جلوگیری کند، هرچند که جلوگیری از خروج مَنی برای او ضرر نداشته باشد، بلکه اگر جلوگیری از خروج مَنی برای او ضرر داشته باشد، جلوگیری از خروج حرام است و حکم مسأله در این فرض این است که بعد از اینکه مَنی خارج شد و آبی برای غسل کردن نزد شخص نبود، وظیفه اش این است که تیمم کند و نماز خود را بخواند.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که این مسأله مبتنی بر مسأله ای است که در آینده ذکر می شود و آن، اینکه حکم شخصی که با اختیار، خود را جنب می کند و تمکّن از غسل کردن ندارد این است که اگر حبس مَنی و جلوگیری از خروج آن برای او ضرر نداشته باشد، شخص باید از خروج مَنی جلوگیری کند.

لکن در فرض مذکور، نظر مرحوم سید (ره) این است که اقوی این است که جلوگیری از خروج مَنی واجب نیست، هرچند که حبس مَنی ضرری برای شخص نداشته باشد، بلکه اگر حبس مَنی ضرر داشته باشد، حرام است که حبس شود.

مرحوم سید (ره) در ذیل مسأله مذکور، فرموده است که اگر اتیان صلاة در وقت، بر حبس مَنی متوقف باشد، به این نحو که شخص، متمکّن از غسل نباشد و چیزی که بتواند بر آن تیمم کند نیز نزدش نباشد و وضو داشته باشد و در حال بیداری، مَنی از جای خود حرکت کند و حبس و جلوگیری از خروج آن برای شخص ضرر نداشته باشد، در این صورت بعید نیست که حبس مَنی واجب باشد تا بتواند نماز خود را در وقت بخواند.

مثالی که برای مسأله مذکور، می توان به آن اشاره کرد این است که شخصی در فصل زمستان در بیابان باشد و بیابان را برف فرا گرفته باشد که نه امکان غسل برای او وجود داشته باشد و نه امکان تیمم دارد که در این صورت، اگر حبس مَنی برای او ضرر نداشته باشد و او بتواند با این کار نمازش را در وقت بخواند باید مَنی را حبس کند و نمازش را در وقت بخواند چون اگر حبس مَنی نکند باعث تفویت واجب می شود و نمی تواند نمازش را در وقت، با طهارت بخواند و تفویت واجب حرام است لذا واجب است که حبس مَنی کند تا بتواند نمازش را در وقت، با طهارت بخواند مگر اینکه حبس مَنی برای او ضرر داشته باشد که در این صورت، حبس واجب نیست، بلکه حرام است و باید بعداً قضای نمازش را در خارج از وقت بخواند.

«الحمد لله رب العالمین»